



## شماره ثبت: ۳۱۵۹

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	نمیمه
۲.....	مرور بر گذشته
۲.....	۵. حکم «لاتطع» در آیه
۲.....	احتمالات
۲.....	احتمال اول:
۲.....	احتمال دوم
۳.....	احتمال سوم
۳.....	جمع بندی
۳.....	آیه سوم
۴.....	بررسی دلالت آیه بر حرمت تمامی
۴.....	نکته مهم
۵.....	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۵.....	نکته مهم در آیه



نمیمه

## مرور بر گذشته

بحث در نمایی بود. ادله عقلی و کتاب را مورد بررسی قرار دادیم.

در این ادله به آیه ۱۱ سوره قلم رسیدیم. در این مورد نکاتی را مورد بحث قرار دادیم. اگر تمام نکات مذکور را تام بدانیم، استفاده حرمت میسر است. نکته‌ی دیگر در این آیه وجود دارد.

## ۵. حکم «لا تطع» در آیه

در آیه، حضرت (ص) را نهی از اطاعت این گروه‌ها می‌کند.

## احتمالات

### احتمال اول:

به نظر می‌آید مطلق اطاعت از آن‌ها منع ندارد. اگر کسی معصیت کار است، ممکن است امر به خوبی بکند. در لا تطع، اطلاقی وجود ندارد. یعنی مطلق اطاعت از وی، نهی شده است. به نظر می‌رسد اطاعت در امر خلاف شرع نهی شده است. همان‌طور که از شأن نزول و سیاق آیه استفاده می‌شود، نمی‌توان اطلاق لا تطع از آن اشخاص پذیرفت. نقش قراین لبی در کشف دلالت این است که اگر ظاهر لا تطع را ببینیم، درمی‌یابیم که در هیچ امر از این اشخاص نمی‌توانیم اطاعت کنیم. ولی وقتی به عمق ارتکازات و ادله برویم، از یک جهت مضیق می‌شود و از یک جهت مرصع می‌شود. مضیق می‌شود برای اینکه لا تطع در هر چیزی نیست. چون متعلقش محذوف است و ظاهر آن اطلاق است. از جهت مرصع می‌شود چون نه صفت را بیان می‌کند.

### احتمال دوم

البته ممکن است در یک نگاه کلی‌تر بگوییم کسی که این گناهان را انجام می‌دهد، ولایت ندارد. اگر این امر را مدنظر بگیریم، شرط ولایت کسی بر دیگری این است که مرتکب گناه نشود. البته احتمال قبلی، اظهر است.



## شماره ثبت: ۳۱۵۹

### احتمال سوم

احتمال سوم این است که اطاعت موضوعیت ندارد بلکه ارتباط موضوعیت دارد. منظور آیه در این احتمال این است که مجالست با آنها نهی شده است.

### جمع بندی

بنابراین «لاتطع» نهی از اطاعت یا ناظر به نفی اطاعت در معصیت است. یا ناظر به این است که در ولایت عمومی، عدالت شرط است. البته از شأن نزول و قراین برمی آید، احتمال اول اظهر است. احتمال سوم هم این است که مجالست و معاشرت با مرتکبین معاصی نهی شده است.

با توجه به نکات بالا، ملازمه بین نهی اطاعت و این که این افعال گناه به شمار می آید، وجود دارد. در نتیجه این آیه در صورتی دلالت بر حرمت نمایی می کند که شرایط زیر را داشته باشد:

۱. نگاه آیه انحلالی است.

۲. بین لا تطع و حرمت افعال، ملازمه عرفی است.

۳. مشاء جنبه مقدمی دارد و الا چیزی که اصالت دارد نیمه است.

اگر این سه نکته را بپذیریم، آیه دلالت بر حرمت نمایی می کند.

### آیه سوم

آیه سوم آیه نبأ است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»<sup>۱</sup>

۱- سوره حجرات، آیه ۶.



## شماره ثبت: ۳۱۵۹

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید!

### بررسی دلالت آیه بر حرمت نامی

شان نزول آیه در جایی است که شخصی درباره‌ی دیگری خبری می‌آورد و این خبر باعث به هم خوردن روابط دو گروه می‌شود. موضوع آیه نامی است. فاسقی خبری آورده است و روابط دو گروه را بر هم زده است.

استدلال آیه به این شکل، تمام نیست. آیه در مورد نامی نیست بلکه در مورد دقت در خبر است. مثلاً کسی می‌گوید فلانی فاسق است. ابتدا باید خبر را احراز کنید و بعد آثار را مترتب کنید. صحیح بودن مطلب مد نظر است. درست است که یک نوع نامی در این وجود دارد ولی حیث آیه این نیست.

### نکته مهم

در روایتی به این آیه برای نامی استشهاد شده است. این روایت در باب ۱۶۴ احکام ابواب عشرة است.

«وَفِي الْمَجَالِسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الثَّارِيخِيِّ عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ الشَّعِيرِيِّ عَنِ الرَّبِيعِ صَاحِبِ الْمَنْصُورِ أَنَّ الصَّادِقَ ع قَالَ لِلْمَنْصُورِ لَا تَقْبَلْ فِي ذِي رَحِمِكَ وَ أَهْلِ الرَّعَايَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَوْلَ مَنْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَاَوَاهُ النَّارُ فَإِنَّ النَّمَامَ شَاهِدٌ زُورٌ وَ شَرِيكَ إِبْلِيسَ فِي الْإِغْرَاءِ بَيْنَ النَّاسِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ - وَ إِنْ كَانَ يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطِيَ مَنْ حَرَمَكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ فَإِنَّ الْمُكَافِيَّ لَيْسَ بِالْوَاصِلِ إِنَّمَا الْوَاصِلُ الَّذِي إِذَا قَطَعْتَهُ رَحِمَ وَصَلَهَا الْحَدِيثُ.»<sup>۱</sup>

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۰۹.



## شماره ثبت: ۳۱۵۹

منصور دوانیقی بارها حضرت را احضار کردند. حضرت به منصور می‌گوید: قول و حرف کسانی که خدا بر آن‌ها بهشت حرام کرده است را باور نکن. نمام شاهد زور است و شریک شیطان در اغراء بین مردم است. در ادامه به آیه نبأ استدلال می‌کند. واصل کسی است که وقتی رابطه قطع می‌شود وصل می‌کند.

سند روایت تام نیست.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

امام (ع) آیه را بر نمامیت تطبیق داده‌اند. البته این تطبیق از حیث این است، کسی که نمام شد، فاسق می‌شود. این نکته ظریف روایت است. روایت می‌گوید چون شخص نمام است و نمامی گناه است، این فرد نمام، فاسق می‌شود. امام (ع) نمی‌گوید منظور آیه، حرمت نمام است. بلکه حرمت نمامی که از جای دیگر ثابت شده است، موضوع برای آیه درست می‌کند. آیه می‌گوید به خبر فاسق نمی‌توانیم اعتبار کنیم. فاسق صفات زیادی دارد یکی از آن صفات نیز نمامی است.

### نکته مهم در آیه

نکته مهمی که در آیه وجود دارد این است که در آیه شریفه آمده است «أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ» این جمله علت است. آیه می‌گوید به خبر اعتماد نکنید. به خاطر اینکه قومی را به خاطر جهالت، به ضرر بیندازیم. در این صورت علتی می‌شود که شاید نمام را بگیرد. این آیه می‌فرماید شما نباید با خبر غیر وجه شرعی به قومی ضرر برسانید. اگر این منظور آیه باشد، به نحوی نمام را شامل می‌شود. اما مطلق نمامی را نمی‌گیرد. نمامی در جایی که باعث آسیب می‌شود را شامل می‌شود. این نوع سخن چینی سعایت است که باعث ضرر زدن و زندانی شدن شخص می‌شود.